

مرگ در شعله‌های اعتراض

حسین راغفر خبرخودسوزي 8 کارگر در 70 روز اخير را تحليل کرد

در هر روز از سال 1400 288 نفر، اقدام به خودکشي کردند و هر 16 روز، يك نفر جان باخت

بنفشه سام‌گیس

طبق بررسی‌های «اعتماد»، از ابتدای خرداد سال جاری تا 9 مرداد، 8 کارگر، در اعتراض به مشکلات معیشتی، خود را به آتش کشیدند. طبق اخباری که درباره علت اقدام به خودسوزی قربانیان منتشر شده، اخراج، تعدیل، بلا تکلیفی بابت قرارداد شغلی، بی‌پاسخ ماندن مطالبات و ناتوانی در تامین معیشت، دلیل این تصمیم قربانیان بوده است.

اول خرداد، یکی از کارگران فصلی شرکت دخانیات گلستان در شهر گرگان، مقابل ساختمان اداری این شرکت، با بنزین خود را آتش زد. طبق اعلام رییس اورژانس گلستان، قربانی یک مرد ۵۰ ساله بوده که دچار 60 درصد سوختگی شده بود. به گفته همکارانش، قربانی، 20 سال سابقه کار داشت که به عنوان راننده خاور در شرکت کار می‌کرد و به دلیل تصادف در محوطه شرکت، توبیخ و به کمیته انضباطی معرفی می‌شود و طبق تصمیم مدیریت مجموعه، او را به واحد دیگری منتقل می‌کنند که این کارگر در اعتراض به این رفتارهای توهین‌آمیز، خود را با بنزین به آتش می‌کشد.

دوم خرداد، یک آبدار و کارگر اداره آب و فاضلاب شهر قلعه ریسی (از توابع چاروسا / شهرستان کهگیلویه) خود را آتش زد. به گفته بخشدار «چاروسا»، این آبدار مردی ۴۰ ساله و دارای چهار فرزند بود که در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق آبداران و بلا تکلیفی بابت قرارداد کاری دست به خودسوزی زده بود. قربانی، برای مداوا به بیمارستان‌های دهدشت و سوختگی شیراز منتقل شد اما دو روز بعد بر

اثر شدت سوختگی فوت کرد.

7 خرداد، فردی میانسال که از مراجعان اداره صنعت معدن تجارت شهرستان بم بود، در اتاق رییس اداره اقدام به خودسوزی کرد. طبق گفته رییس اداره، قربانی، یک تعمیرکار ابزارآلات ساخت و ساز بود که شاکه خصوصی داشت و قرار بود برای تشکیل پرونده به اداره تعزیرات حکومتی شهرستان معرفی شود که بعد از اعتراض به این ارجاع، تهدید خود مبنی بر اقدام به خودسوزی را عملی کرده است. این قربانی هم با شدت سوختگی ۴۵ درصد برای مداوا به بیمارستان منتقل شد.

۱۴ خرداد، یک کارگر در یاسوج به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی ۱۰ میلیون تومانی، خود را به آتش کشید. این کارگر، متاهل و پدر ۳ فرزند بود که به دلیل شدت سوختگی فوت کرد.

19 خرداد، دو کارگر شاغل در پتروشیمی فارابی ماهشهر، در اعتراض به اخراج خود اقدام به خودسوزی کردند. کارگران اخراجی، با وجود سه سال سابقه خدمتی، از محل کار خود اخراج شده بودند.

8 مرداد، یک جوان ۳۰ ساله اهل ایلام، به دلیل مشکلات معیشتی خود را در محله هانی وان شهر ایلام آتش زد.

9 مرداد، کارگر پیمانکاری اداره آب و فاضلاب لاهیجان به دلیل تعلیق از کار و بی‌پاسخ ماندن مطالباتش از سوی کارفرما، مقابل اداره آب و فاضلاب این شهرستان خودسوزی کرد. طبق اعلام مدیرعامل این اداره، این کارگر، کنترونیس بوده که دو ماه قبل توسط پیمانکار از کار خود معلق شده بود. پیکر سوخته این کارگر، ابتدا به یکی از بیمارستان‌های لاهیجان منتقل شد اما به دلیل شدت سوختگی و وخامت حال عمومی، او را به یکی از بیمارستان‌های رشت انتقال دادند.

اعتراض با حراج جان

سال 1398، مسوول برنامه پیشگیری از خودکشی در وزارت بهداشت اعلام کرد که در سال 1397، حدود 100 هزار مورد اقدام به خودکشی در کشور ثبت شده است. طبق اعلام این کارشناس، اقدام به خودکشی در فاصله سال‌های 1394 تا 1397 افزایش داشته چنانکه در این بازه زمانی از ۹۴ در 100 هزار نفر به 125 در 100 هزار نفر رسیده است. نیمه زمستان سال 1399، یک منبع آگاه در سازمان پزشکی قانونی کشور به «اعتماد» خبر داد که آمار قربانیان خودکشی در 8 ماه ابتدای سال - ابتدای فروردین تا پایان آبان - نسبت به مدت مشابه سال گذشته، 4.2 درصد افزایش داشته در حالی که به استناد آمار این نهاد

قضای، سال 1398، تعداد کل قربانیان خودکشی در کشور، 5143 نفر بوده است. شهریور پارسال، جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران اعلام کرد که طی 10 سال گذشته - 1390 تا 1400 - میانگین فوت بر اثر خودکشی در کشور، از 6 در 100 هزار نفر به 7.2 در 100 هزار نفر افزایش یافته است.

با استناد به این آمارهای رسمی، اگر فرض کنیم که تا امروز، این اعداد ثابت مانده و هیچ کدام از مولفه‌های موثر بر تشدید اختلالات روان - بیکاری، کاهش درآمد خانواده‌ها، کاهش قدرت اقتصادی افراد، کاهش سرمایه اجتماعی و مختل شدن اعتماد عمومی به دولت‌ها، تنش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - تشدید نشده و آمار شیوع اختلالات روانی در کشور، همان عدد کهنه 23.4 درصد در جمعیت 15 تا 64 ساله کشور باشد، در سالی که پشت سر گذاشتیم، در هر روز از سال، 288 زن و مرد، اقدام به خودکشی کرده‌اند (در مجموع 105 هزار و 120 نفر) و هر 16 روز، یک نفر از اقدام‌کنندگان، جان خود را از دست داده است (در مجموع 6048 فوت) این یک عدد فرضی است چرا که برخی روش‌های خودکشی، اثر آنی دارد. فردی که امروز قرص [...] می‌خورد، فردا دیگر در میان ما نیست. فردی که امروز خود را از یک ساختمان 14 طبقه پرت می‌کند، فردا دیگر در میان ما نیست. فردی که امروز خود را حلق‌آویز می‌کند یا به شقیقه خود شلیک می‌کند، فردا دیگر در میان ما نیست. اما بین همه روش‌های اقدام به خودکشی که در ایران رایج است، دردناک‌ترین، اقدام به خودسوزی است که روان‌پزشکان و متخصصان علوم رفتاری، از این روش به عنوان یک اعتراض اجتماعی یاد می‌کنند. اعتراض به آنچه دست ساز و محصول دولت‌هاست و باعث ناامیدی مطلق یک انسان برای رسیدن به فردای بهتر شده است. بابت خودسوزی زنان و مردان ایرانی، خیلی‌ها باید پاسخگو باشند؛ چه در مقابل وجدان خود، چه در برابر ملت...

اقدام به خودسوزی 8 کارگر مرد طی کمتر از 70 روز گذشته آن هم در این ایامی که دولت به دفعات شعار حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، ممانعت از گرانی‌ها و جلوگیری از کوچک شدن سفره خانوار، کمک به احیای معیشت دهک‌های پایین اقتصادی و توزیع یارانه اقتصادی در سفره خانواده‌ها سرداده و بابت آشکار شدن نشانه‌هایی از بهبود معیشت و بازگشت عدالت و نشاط به زندگی مردم و افزایش قدرت خرید خانواده‌ها ابراز خرسندی کرده، واقعا چه پیامی دارد؟

نکته مهم در اخبار اقدام به خودسوزی 8 کارگر در یک بازه زمانی 70 روزه و آن هم در اعتراض به مشکلات شغلی و معیشتی، یک پیام نگران‌کننده در مقایسه با اخبار و علت‌های اقدام به خودکشی در دهه اخیر است. تا نیمه دهه 90، خودسوزی، یک اجبار رایج در برخی مناطق

کشور و از جمله جنوب، غرب و شمال غرب کشور بود که اغلب هم، زنان و دختران با انتخاب این روش خودحذفی، میخواستند اعتراض خود به سنت و فرهنگ حاکم بر منطقه را به گوش گستره‌ای دورتر از خانواده و اطرافیان برسانند. اعتراض به ازدواج‌های تحمیلی، ممانعت از ادامه تحصیل توسط والدین یا همسر، سختگیری‌های فرهنگی و مذهبی و قومیتی و طایفه‌ای، مهم‌ترین دلایلی بود که زنان و دختران مناطق جنوب، شمال غرب و غرب ایران را به انتخاب دردناک‌ترین روش پایان دادن به زندگی وامی‌داشت. طبق مشاهدات خبرنگار «اعتماد» از بخش سوختگی بیمارستان امام خمینی کرمانشاه در سال‌های پایانی دهه 80، دختران و زنان جوانی که اقدام به خودسوزی کرده بودند، خسته از مشکلات خانوادگی و درگیری‌های پایان‌ناپذیر با همسر یا خانواده همسر و همچنین به دلیل مشکلات تحصیلی، چون راه دیگری برای مقابله با مشکلات نمی‌شناختند، آخرین قدم را همان اول برداشته بودند و مهم و دردناک این بود که جامعه پیرامون - اهالی روستا یا شهر محل سکونت قربانیان و حتی اعضای خانواده - هم از این شیوه خودحذفی، چندان متعجب نمی‌شد، چون برداشتن یک طرف محتوی بنزین و خالی کردن بر سر و کبریت کشیدن به بدن بنزین‌آلود و شعله‌ور شدن و سوختن و فروشکستن، به یک رخداد روزمره در نواحی غرب، شمال غرب و جنوب ایران تبدیل شده بود. در دهه 80 و تا نیمه دهه 90، جان‌های عزیزی به همین سبب از دست رفت و سوگ و درد ابدی برای بازماندگان برجای گذاشت. مداخله اورژانس اجتماعی و مددکاران بهزیستی برای آموزش چگونگی حل مساله و به اصطلاح «آموزش مهارت‌های زندگی» در این مناطق، اگرچه آمار خودسوزی زنان و دختران نیمه غرب و منطقه جنوب غرب کشور را به صفر نرساند، اما در تلاش برای پیدا کردن راه‌حل‌های منطقی، تا حدی موثر بود. تاثیر آماری این مداخلات، حداقل تا یک دهه بعد معلوم می‌شود مشروط به اینکه در وهله نخست، زمینه‌های موجد این شکل اعتراض، کاهش یافته و برای پایش و به‌روزرسانی تغییرات و تاثیرات هم سرمایه‌گذاری شود...

گفت‌وگویی «اعتماد» با حسین راغفر؛ اقتصاددان برای واکاوی خودسوزی‌های معیشتی

خبرساز شدن خودسوزی 8 کارگر؛ آن هم به دلیل ناتوانی معیشتی و در اعتراض به مشکلات صنفی و شغلی، نه تنها نظیری در دو دهه اخیر ندارد، دشواری‌های تامین معاش خانواده طی چند سال اخیر و از نیمه دهه 90 تاکنون، در خلق دو اصطلاح بی‌تاثیر نبوده است؛ «سرقتهای معیشتی» و «خودسوزی‌های معیشتی» که به نظر می‌رسد مردان خانواده، برای مصور کردن این اصطلاحات پیشقدم شده‌اند. حسین راغفر؛

اقتصاددان و استاد دانشگاه، در گفت‌وگو با «اعتماد» در تحلیل اقدام به خودسوزی مردان کارگر معترض به شرایط شغلی و معیشتی می‌گوید: «خودتخریبی یا خودکشی، یک مساله دفعه‌ای نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل باید دست به دست هم بدهند تا فرد را به استیصال و ناامیدی و فشارهای گسترده برسانند. باید توجه کرد که عوامل متعددی انباشته شده‌اند تا فرد در اوج آسیب روحی مبادرت به خودکشی کند. خودسوزی یکی از بدترین اشکال خودکشی است، چون روش‌های دیگری هم برای خودکشی هست ولی کسی که خودسوزی می‌کند می‌خواهد اعتراض خود را هم بیان کند. خودکشی و به خصوص خودسوزی را باید به عنوان یک طغیان در نظر گرفت، به عنوان نوعی شورش ولی این شورش به جای اینکه علیه عوامل شکل بخشی این نارضایتی باشد، علیه خود فرد است به این معنا که فرد مبادرت به خودکشی می‌کند و طغیان خود را این‌گونه نشان می‌دهد. البته فراموش نکنیم که از دیگر اشکال متداول طغیان، اعتیاد است. اعتیاد یک نوع شورش است ولی فرد به جای اینکه اعتراضات خود را بیرونی کند، برای فرار از واقعیت‌های تلخ پیرامون و ناتوانی از غلبه بر آنها، به افیون اعتیاد پناه می‌برد. اعتیاد، تن‌فروشی، خودکشی، ورود به قلمرو جرم و جرایم، حتی مهاجرت و فرار مغزها، اشکال شورش علیه بی‌نظمی یا نظم موجودی است که قربانیان خود را نادیده گرفته و به همین دلیل، آنها در تلاش برای خروج از این بحرانی که با آن روبه‌رو هستند، به این ابزارها متوسل می‌شوند. اقدام به خودسوزی، هم اعتراضی قوی‌تر و رقت‌برانگیزتر است و هم تاثیر اجتماعی بسیار بیشتری دارد ولی مهم این است که افرادی که دست به خودسوزی می‌زنند، در یک جنون آنی و برای نشان دادن اعتراض خودشان به جامعه، خود را به آتش می‌کشند و می‌توان گفت که این انتخاب، ارتباط تنگاتنگی با معیشت و زندگی مردم دارد و حتما سیاست‌های اقتصادی و ناامیدی از آینده و یافتن مفر خروج از این بحران روحی روانی و معیشتی که منشا بسیاری از بحران‌هاست عامل موثر در این انتخاب افراد بوده است. قطعا بسیاری از مردانی که دست به خودسوزی می‌زنند نسبت به خانواده و نزدیکان‌شان تعهداتی دارند که خود را از اجرای این تعهدات و تامین نیاز اولیه خانواده ناتوان دیده‌اند و همزمان، با برخوردهای بسیار غیرانسانی کارفرما یا افرادی که بر معیشت و زندگی آنها تاثیر دارند، مواجه شده و خود را ناتوان از احقاق حق خودشان دیده‌اند که دست به خودسوزی زده‌اند.»

سوال دیگر «اعتماد» از این اقتصاددان، چرایی انتخاب خودسوزی توسط این کارگران معترضی بود که به جنون آنی همراه با ناامیدی مطلق رسیده‌اند؛ انتخاب روشی برگشت‌ناپذیر یا اینکه در صورت احتمال

بسیار اندک بازگشت دوباره به زندگی، این افراد به انسان از کار افتاده‌ای تبدیل میشوند که بود و نبود حداقل‌های زندگی هم دیگر برای‌شان تفاوتی نخواهد داشت. راغفر در پاسخ به این سوال گفت: «انتخاب خودسوزی، دیگر نمایش نیست. انتخاب خودسوزی به این معنا نیست که فرد می‌خواسته نمایش بدهد یا احساساتی را در جامعه برانگیزد. پیام اصلی خودسوزی این است که فرد می‌خواهد خودش را از فشارهای روحی که با آن مواجه است، رها کند ولی می‌خواهد ضمناً تاثیری هم بر جامعه گذاشته باشد و گرنه می‌توانست مرگ راحت‌تری را اختیار کند، مثلاً سم بخورد و در رختخوابش بخوابد. وقتی به کف جامعه می‌آید و خودش را و اعتراضش را این‌طور نشان و بروز می‌دهد، حتی انتخاب این روش خودحذفی هم دارای پیام است. این کارگران قصدشان این بود که پیام‌شان دیده و شنیده شود.»

حسین راغفر: انتخاب خودسوزی، دیگر نمایش نیست. پیام اصلی خودسوزی این است که فرد می‌خواهد خودش را از فشارهای روحی که با آن مواجه است، رها کند ولی می‌خواهد ضمناً تاثیری هم بر جامعه گذاشته باشد.

منبع: ریشه‌های 11 آگوست 1401